

تصویرگر گردید

بهمن منوچهری

سید مهدی سجادی نائینی*



مقدمه

بار دیگر تحرّکی در آن به وجود آمد و نقاشان و نگارگران توانستند تا حدی از بوتّه فراموشی و بی‌مهری به در آیند. در اصفهان نیز هنرمندانی مانند رجبعلی اصفهانی و مهدی امامی و محمد اسماعیلی و دهها استاد دیگر مجالی یافتند تا با خلق آثار خود نشان دهند که «... اصفهان همچنان گنجینه‌گرانبهایی از هنر تمام‌نمای جهان به‌شمار می‌رود...»^۲ در سال ۱۳۱۵ شمسی هنرستان هنرهای زیبای اصفهان تأسیس شد و در سال ۱۳۱۸ رشته‌های مینیاتور و نقاشی و طبیعت و نقشه‌فرش و سایر رشته‌های وابسته به آن افتتاح گردید و مرحوم عیسی بهادری آموزش آن را بر عهده گرفت.^۳

مرحوم استاد بهادری با همکاری استادانی همچون ابو عطا و مصورالملکی و جواد رستم شیرازی و پورصفا به تربیت شاگردانی پرداختند که برخی از آنها مثل

اصفهان از دیرباز یکی از مراکز پرورش هنرمندان و صنعتگران بوده است. موقعیت ممتاز این منطقه و توجهی که حکام و دولتمردان سلسله‌های مختلف به آن معطوف می‌داشته‌اند پیوسته شهر اصفهان و بلاد اطراف آن را به محلی امن برای شکوفایی استعدادهای هنرمندان تبدیل کرده است.

در طول تاریخ ایران و به‌خصوص بعد از اسلام، انواع هنرها در این شهر به اوج اعتلا رسید و هنرمندان اصفهانی در رشته‌های گوناگون هنر آثاری خلق کرده‌اند که بسیاری از آنها زینت‌بخش موزه‌های بزرگ ایران و جهان است.

در آغاز قرن یازدهم هجری، شهر اصفهان به پایتختی صفویان انتخاب گردید و سیل هنرمندان و صنعتگران به این شهر سرازیر شد. در این میان هنر نقاشی نیز مورد توجه قرار گرفت و نقاشان و نگارگران چیره‌دستی همچون رضا عباسی، محمدزمان نگارگر و محمدقاسم مشهور به سراجای نقاش و محمدیوسف مصوّر با خلق آثار بی‌بدیل و منحصر به فرد این هنر را به اوج اعتلا رساندند.^۱

با سقوط صفویه این هنر رو به زوال گذاشت و در عصر افشاریه و زندیه مورد بی‌مهری کامل قرار گرفت. اما در اوایل دوره قاجار با حمایتی که از این هنر به عمل آمد

* کارشناس ارشد تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد.

- ۱- سیدمهدی سجادی نائینی، راهنمای جدید اصفهان، انتشارات سازمان جهانگردی، اصفهان، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴.
- ۲- نعمت‌الله میرعظیمی، اصفهان زادگاه جمال و کمال، نشر گلها، اصفهان، ۱۳۷۹، ص ۳۰۹.
- ۳- راهنمای جدید اصفهان، ص ۱۷۰.

استاد محمود فرشچیان به شهرت جهانی رسیدند و بعضی نیز مانند هوشنگ جزئی زاده خود از استادان بنام نقاشی هستند.^۱

علاوه بر هنرمندانی که به طور مستقیم از این نهاد آموزشی استفاده کردند برخی نیز به طور غیرمستقیم تحت تأثیر استادان هنرستان قرار گرفتند که امروز در زمره نقاشان نامدار این شهر هنرپرور به شمار می‌روند.

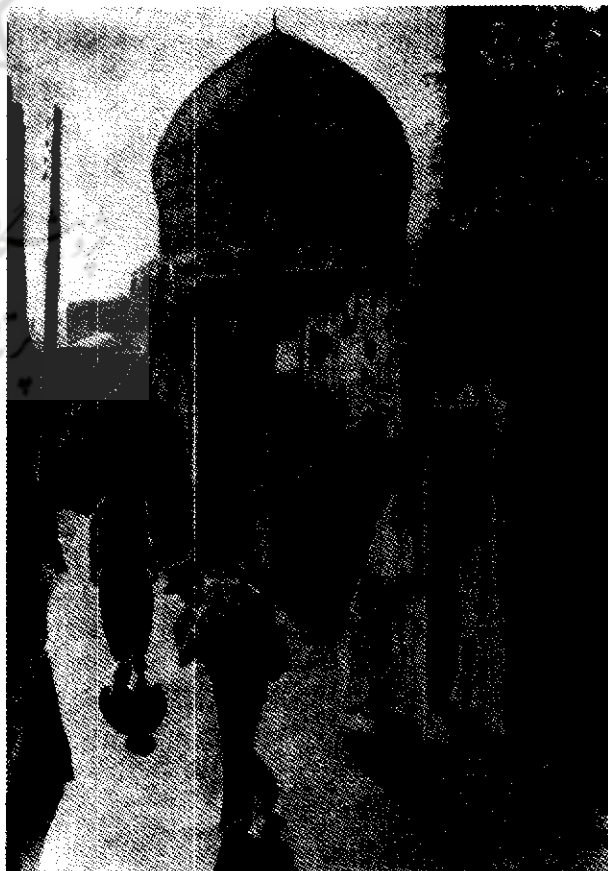
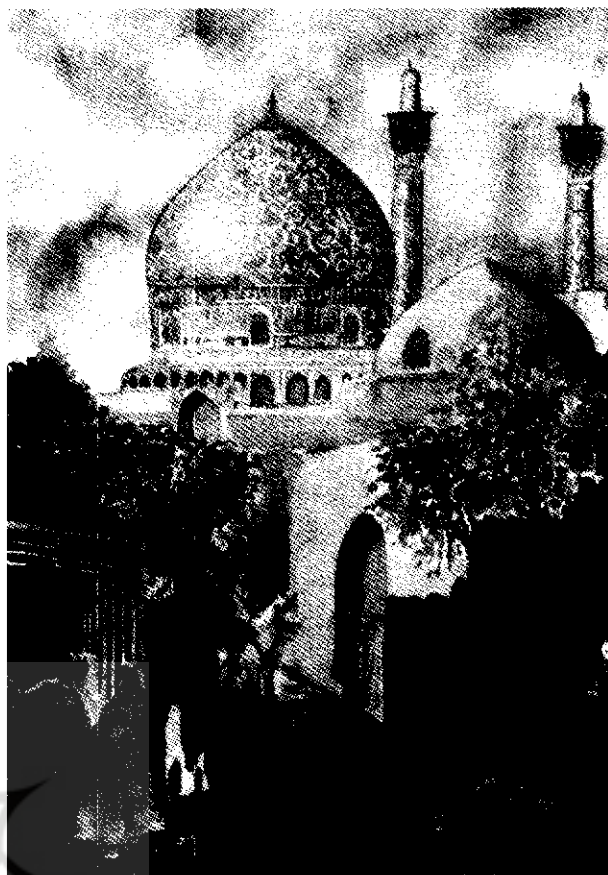
بهمن منوچهری از هنرمندانی است که توانسته است با استفاده از فضای مستعد شهر اصفهان و پیروی از نقاشان نام‌آور آثار جالب و ماندگاری به وجود آورد که نشان‌دهنده غنا و سابقه فرهنگ ملی-اسلامی کشورمان است.

بهمن منوچهری در سال ۱۳۲۳ در شهر اردستان متولد شد. بافت تاریخی بسیار زیبا و الگوهای معماری این شهر کهنسال و میراث گرانبار منطقه اردستان در پرورش و ذوق و استعداد او تأثیر بسزایی داشته است.

پدر منوچهری به عنوان «سیمیان» وظیفه مراقبت از سیم‌های تلگراف بیابانهای اردستان را برعهده داشت و به طور مستمر با اسب در کویر اردستان گردش می‌کرد. منوچهری از اوان کودکی پدر را در این بازدیدها همراهی می‌کرد لذا از همان روزها به منطقه کویر و طبیعت بکر و جالب منطقه و صلابت و مهابت صحراهای خشک اما استعدادپرور علاقه‌مند شد.

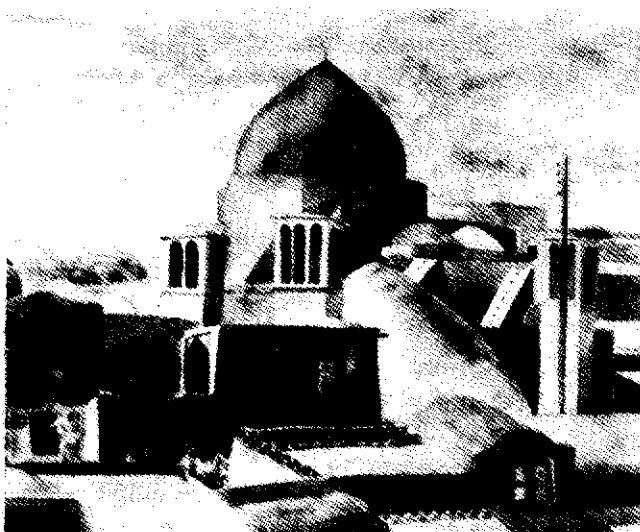
سفر به بیلاق که همه ساله در تابستانها اتفاق می‌افتاد و نحوه سفر با وسایل ابتدایی آن روزگار و اقامت در روستای زیبای «گله» که در کوهپایه‌های اردستان قرار دارد به همراه تماشای هر روزه کوهها و جویبارهای زلال و گل‌های وحشی روستا به حدی او را تحت تأثیر قرار دادند که نمای زندگی روستاییان، احساسات درونی آنان، تا مدت‌ها در آثار او به وضوح نمایان بودند. اکثر تابلوهایی را که بهمن منوچهری در سکوت این دهکده زیبا ترسیم کرده مورد توجه مجموعه‌داران ایرانی و خارجی قرار گرفته است.

پس از دوره ابتدایی، معلمان و آموزگاران که پی به استعداد او برده بودند در پی تشویقش برآمدند، اما آنچه به جد وی را به هنر علاقه‌مند می‌کرد کار خوشنویسی بود. وی در منطقه دورافتاده اردستان خط نستعلیق را بسیار زیبا می‌نوشت و حتی گاه نیز با پشت ناخن به تحریر ابیات و جملاتی می‌پرداخت و همین آثار خوشنویسی چنان او را به نقش آفرینی و نقاشی علاقه‌مند کرد که تهیه تصاویر همه نشریات دیواری



۱. اصفهان زادگاه جمال و کمال، ص ۳۱۹.

بهمن منوچهری از هنرمندانی است که توانسته است با استفاده از فضای مستعد شهر اصفهان و پیروی از نقاشان نام‌آور آثار جالب و ماندگاری به وجود آورد که نشان‌دهنده غنا و سابقه فرهنگ ملی - اسلامی کشورمان است.

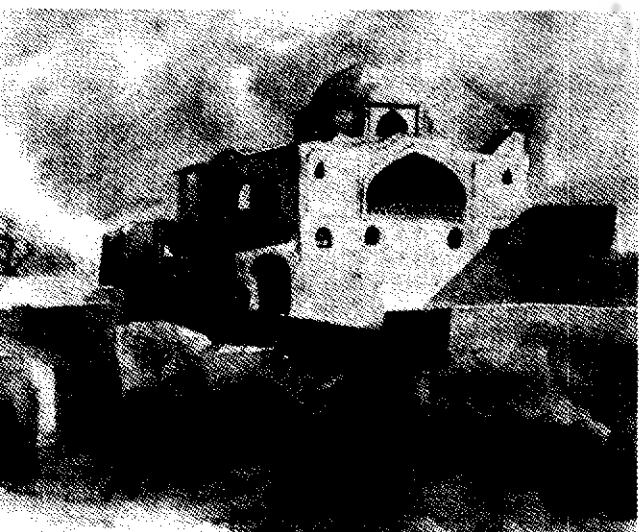


دبیرستان برعهده او گذاشته شد و در آموزشگاه به او لقب «آقای نشریه» دادند.

پس از ورود به دانشسرای مقدماتی اصفهان که مصادف با ۱۶ سالگی او بود با درسی به نام «هنر» آشنا شد. از این زمان جعبه آبرنگ و آنچه مربوط به نقاشی می‌شد برای او در حکم مونس دائمی درآمدند.



در اوقات فراغت نیز نقشهای «سببات» چنان او را شیفته می‌کردند که ساعتها از پشت شیشه نگارستان به تماشا می‌ایستاد و نقاشیهای آبرنگ و گواش این هنرمند را نظاره می‌کرد. این بررسیهای نوجوان نقاش، او را به تمرین تصاویر کتاب جغرافیای پنجم ابتدایی که مصور بود واداشت. او تصاویر این کتاب را بدون استاد نقاشی کرد. اولین تابلویی را که با عنوان «طبیعت بی‌جان» با رنگ و روغن ساخت، توجه مربی را جلب کرد که او را به دفعات تشویق و ترغیب کرد. منوچهری این تابلو را در تابستان سال ۱۳۳۹ پس از چند جلسه شرکت در کلاسهای آموزش ساخته بود.



در سال ۱۳۴۱ به استخدام وزارت فرهنگ وقت درآمد و به‌عنوان آموزگار در روستای مهرآباد در نقطه دورافتاده‌ای، اقامت گزید. اقامت در این روستا فرصت بسیار خوبی برای وی فراهم کرد تا تصاویری از طبیعت بکر و محیط آرام و مناظر زیبای منطقه تهیه کند. سوژه‌های منوچهری در مهرآباد گاه شاگردانش بودند و زمانی اهالی دهکده و در هر مورد نیز به خوبی از عهده برآمد.

پس از دو سال به اردستان منتقل شد. در اردستان به آموزش هنر در دبستانها و دبیرستانها پرداخت و شاگردان بسیاری را در این شهر حاشیه‌کوبیر با دنیای هنر آشنا کرد. در این زمان با شخصی آشنا شد که از مکتبها و سبک‌های مختلف نقاشی آگاهی کامل داشت. این شخص که در اردستان ساکن بود به‌زودی به استعداد منوچهری پی برد و با اهدای کتب نفیس نقاشی و پرورشورهای مختلف، پنجره بزرگتری را به روی او گشود. علاوه بر آن ترتیبی داد تا برخی آثار او در اصفهان به فروش برسند و به تدریج در میان اهل هنر شناخته شود.

تعداد زیادی از آثار آبرنگ او نیز از طرف وزارت امور خارجه خریداری گردید تا زینت بخش مهمانسراهای سفرای خارج از کشور گردند.

آثار منوچهری در نمایشگاههای متعددی به صورت گروهی و انفرادی شرکت داشته که از آن جمله نمایشگاه المپیاد لندن در سال ۱۳۷۶ و نمایشگاه گیلورن انگلیس در سال ۱۳۷۷ هستند. چندین نمایشگاه نیز در گالری کلاسیک اصفهان و سایر مراکز هنری تشکیل داده که همه آنها با استقبال روبه‌رو شده‌اند.

آنچه در آثار بهمن منوچهری به وضوح نمایان است: ستایش طبیعت، پاکی و زلالی روستا و پاسداری از معماری سنتی است. او سعی کرده به زندگی مردمی بپردازد که در «... کوهپایه‌ها و حاشیه کویر ایران زندگی می‌کنند. وی با دل‌بستگی به زادگاه خود نشان می‌دهد دور از قیل و قال شهر، فضاهای زیبا و ساده‌ای هست که نباید آنها را به فراموشی سپرد. کاری که اغلب هنرمندان و به‌خصوص نقاشان ما آن را فراموش کرده‌اند...»^۱

یکی از کارشناسان و پژوهشگرانی که در زمینه آشنایی با هنرهای سنتی مطالعه و بررسی کرده درباره آثار منوچهری می‌گوید «... اگرچه آقای منوچهری فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیباست اما سادگی و خلوص منطقه کویری را کاملاً در آثارش حفظ کرده است.»

این محقق که مدیر یکی از گالری‌های اصفهان نیز هست عقیده دارد: «هویت خاص روستایی و کویری و صداقت منطقه کویر در آثار آقای منوچهری باعث شده نمایشگاههایی که از آثار او تشکیل می‌گردد همیشه بیشترین مراجعین را داشته باشد...»^۲

بهمن منوچهری طبع شعر نیز دارد و از میان انواع شعر قطعه را بسیار ساده و روان می‌سراید. در حال حاضر علاوه بر تدریس نقاشی و ارائه آثار خود در نمایشگاهها به‌عنوان کارشناس رسمی دادگستری در رشته آثار هنری به خدمت اشتغال دارد. برای این هنرمند فرهیخته و متعهد آرزوی سلامت و سعادت داریم.

استاد بخردی در تدوین این مقاله بسیار یاری‌رسان بودند، در همین جا مراتب سپاسگزاری خود را تقدیمشان می‌دارم.

۱- روزنامه همشهری، شماره ۲۳۶، تاریخ ۱۳۷۲/۷/۲۵، ص ۱۰.

۲- مصاحبه نگارنده با مهندس مرتضی بخردی، استاد معماری داخلی و موزه‌داری دانشگاه هنر اصفهان.



در این زمان نام دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برای نقاشان و هنرمندان جوان نامی آشنا بود. منوچهری در آزمون ورودی این مرکز علمی-هنری رتبه سوم را به دست آورد و به تهران رفت. در محیط تهران و دانشکده هنرهای زیبا به محضر استادانی چون هانیبال‌الخاص، دکتر حمیدی، علی آذرگین، روئین پاکباز و پرویز تناولی راه یافت و از راهنماییهای برخی استادان مانند هوشنگ سیحون نیز بهره‌مند شد.

اگرچه معاشرت با این استادان او را با نقاشی مدرن آشنا کرد، اما او همچنان به نقاشی سنتی وفادار ماند و بافت معماری سنتی را فراموش نکرد.

در تهران با تهیه تابلوهای «نقاشی قهوه‌خانه» امرار معاش می‌کرد و به تحصیل ادامه می‌داد. دوره دانشکده هنرهای زیبا را با ترجمه «آموزش و پرورش هنری در جهان» پایان داد. ترجمه این کتاب که از انتشارات سازمان یونسکو بود کار عملی و پایان‌نامه وی محسوب می‌شد. علاوه بر آن پرده «عاشورا» را نیز در ابعاد ۲×۳ متر زیر نظر استاد علی آذرگین تهیه کرد.

در سال ۱۳۵۳ به اصفهان آمد و در هنرستان و مدارس عالی هنری و مراکز تربیت مربی کودک به تدریس پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری با ستاد برگزاری مراسم را شروع کرد و با شروع جنگ تحمیلی از طریق بازسازی چهره شهدا به این همکاری ادامه داد. همچنین در سیمای مرکز اصفهان نیز به آموزش نقاشی پرداخت و در رادیو مردم با نقاشی و تاریخ آن آشنا کرد.

جذابیت آثار منوچهری باعث شد تا بسیاری از آنها مورد توجه مجموعه‌داران ایرانی و خارجی قرار بگیرند.